

مقاله پژوهشی

نقش دولت در مدیریت و نظارت بر معادن در حقوق ایران

ابراهیم زینلی نژاد فردوسی^{۱*}، لادن فرومند^۲، کیوان صداقتی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران، zinaly61s@yahoo.com
۲. استادیار گروه حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی ورامین، تهران، ایران، ladan.foroomand@gmail.com
۳. استادیار گروه حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران، keyvan.sedaghati@gmail.com

دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۰۴ - پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۱

چکیده

مدیریت و نظارت دولت بر معادن همواره مورد توجه بوده است و در برخی از مواقع با توجه به تغییر و تحولات متعدد قانونی در طول زمان و یا نظریات فقهی در باب مالکیت، منشا نظارت‌های دولت بر معادن نیز مورد تفاسیر مختلفی قرار گرفته و در برخی موارد ممکن است این شبهه پیش آید که به رسمیت شناختن مالکیت بر معادن یا به عبارت صحیح اعطای حق انتفاع که در قوانین پیش‌بینی شده است موجب زوال حاکمیت و نظارت دولت بر معادن خواهد بود، بنابراین برای کمک به فعالان این حوزه ضروری است که با بررسی قوانین این موضوع رفع ابهام شود و در ادامه نوع و حدود نظارت دولت بر این گنجینه‌های الهی با توجه به صلاحیت‌های مصرحه در قوانین مشخص شود. در این مقاله ابتدا به بررسی قوانین در خصوص نظارت دولت بر معادن و نحوه اعمال آن پرداخته می‌شود و در پایان ضمن نفی مالکیت و پذیرش وجود حق انتفاع معادن بیان می‌شود. با این که در قوانین بهره‌برداری از معادن توسط افراد مجاز است اما دولت با وضع قوانین خاص و منوط کردن بهره‌برداری افراد به اخذ مجوزهای قانونی، نظارت استصوابی خود را اعمال می‌کند.

کلمات کلیدی

نقش دولت، نظارت، معادن، حقوق ایران

۱- مقدمه

البته در این مسیر نباید توانمندی‌های بخش خصوصی در اکتشاف، استخراج و بهره‌برداری از ذخایر پنهان، معادن متروکه و یا راکد که زمینه افزایش بهره‌وری بخش معدن را با نیل به بهره‌برداری از ظرفیت مطلوب مواد معدنی فراهم می‌سازد، نادیده گرفته.

با توجه به مطالب فوق یکی از سوالات اصلی و مهم که در قواعد و قوانین مرتبط با معادن مورد بحث و نظر است این است که جایگاه مدیریتی و نظارتی دولت در معادن چگونه است؟ دولت از چه ابزاری برای اعمال مدیریت و نظارت خود در این حوزه استفاده می‌کند؟ و آیا دولت بر معدنی که در املاک اشخاص خصوصی واقع است نیز می‌تواند اعمال نظارت کند؟

هدف کلی این مقاله بررسی قوانین حقوقی مربوط به معادن برای تعیین جایگاه دولت در معادن و همچنین نظارت حاکم بر معادن و هدف فرعی بررسی اختلافات و تفاسیر متعدد قانونی در مقوله حاکمیت دولت بر معادن است.

این پژوهش از نوع کتابخانه‌ای و اسنادی و در نگارش آن از روش تحلیلی- توصیفی بهره‌گیری شده است و همچنین از بانک‌های اطلاعات شبکه‌های رایانه‌ای، نرم‌افزار، کتب و مقالات استفاده شده است. در بررسی پیشینه موضوع، محمد طاهر کنعانی در مقاله‌ای با عنوان حق بهره‌برداری از معادن منتشر شده در فصلنامه حقوق دانشکده حقوق دانشگاه تهران در پاییز ۸۹ قوانین و مسایل فقهی از باب ضرورت توزیع عادلانه درآمد و ثروت و حفاظت و پاسداری از معادن، نظارت و اعمال حاکمیت و در مواردی نیز اعمال مالکیت به عنوان مالکیت عمومی را ضروری دانسته است اما به نظر وی اعمال حاکمیت و مالکیت دولت نباید منجر به انحصار غیرضرور در دولت و ممانعت از توان بخش خصوصی و جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی در جهت شناسایی، کشف و استخراج معادن ناشناخته باشد و مطابق با مبانی فقهی و حقوقی، مالکیت عمومی به معنای انحصار غیرضرور دولت و ممنوعیت بخش خصوصی از سرمایه‌گذاری، احیا و استخراج معادن نیست، وی معتقد است قوانین موجود از حیث افراط و تفریط در رابطه با معادن بزرگ نیاز به بازنگری دارد.

در جهت رفع ابهامات موجود، این مقاله برای بررسی معادن از لحاظ نظارت‌های دولت در شش بخش معادن در حقوق ایران، شاخه‌های علم حقوق، نظارت‌های قانونی، نظارت دولت بر معادن در قوانین دولتی و وضعیت حقوقی معادن خارج از شمول قانون معادن تدوین شده است.

معادن در هر کشوری پشتوانه محکمی برای آن کشور در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و تامین سرمایه و مواد مورد نیاز برای بسیاری از تولیدات است و رشد و توسعه اقتصادی را تسریع می‌کند. ایران ذخایر معدنی متنوعی دارد و بهره‌برداری از این ذخایر مهم، ابزار موثری در جهت پیشبرد و تحقق اهداف پیش‌بینی شده در قانون اساسی، قانون برنامه‌های پنج‌ساله و سند چشم‌انداز است.

معادن پدیده‌های محلی‌اند و سطح محدودی از یک ناحیه را اشغال می‌کنند اما ممکن است اثراتی خارج از محدوده معدن بر جای گذارند. از اساسی‌ترین مشکلات استخراج معادن می‌توان به آلودگی آب، باطله‌های حاصل از مراحل مختلف بهره‌برداری از کنسارها و گرد و غبار حاصل از استخراج اشاره کرد و البته تنفس گرد و غبار مواد معدنی که در حین بهره‌برداری از معادن تولید می‌شود، اثرات جبران‌ناپذیری بر سلامتی انسان دارد [۱]. معادن و صنایع معدنی از مهم‌ترین ابزار رشد اقتصادی و رفاه اجتماعی در بسیاری از کشورها است. در عین حال آثار زیست محیطی از قبیل تاثیر بر منابع آب، فرسایش خاک و نظایر آن و همچنین ایجاد تبعات مختلف اجتماعی و اقتصادی سبب شده است تا مفهوم توسعه پایدار وارد بخش معدنکاری شود. توسعه پایدار ایجاد تعادل میان توسعه و محیط زیست است و از سه اصل محیط زیست، اجتماع و اقتصاد تشکیل شده است. هر سه این عوامل در ارتباط با یکدیگرند و عدم تعادل در هر یک، موجب بر هم خوردن تعادل در سایر بخش‌ها می‌شود [۲]. با بررسی دقیق و درک صحیح مفاهیم توسعه پایدار می‌توان با پیاده کردن آن در حوزه‌های مختلف به هدف اصلی آن که تامین نیاز نسل کنونی بدون صدمه زدن به آیندگان و صیانت از حقوق جوامع محلی و ملی است، دست یافت.

از سوی دیگر با توجه به اینکه هر مرحله از فعالیت در معادن مانند مراحل شناسایی و تبدیل منابع معدنی به ذخایر معدنی و ذخایر معدنی به معادن به طور طبیعی دارای مخاطراتی از جمله نبود ذخیره مناسب و در نتیجه شکست در سرمایه‌گذاری است. برای کاهش خطر شکست در سرمایه‌گذاری و حفظ منابع دانشی و مالی به کارگرفته شده توسط سرمایه‌گذاران و نیز به لحاظ موارد مهم دیگری که در مطالب فوق عنوان شد باید به این ذخایر ارزشمند معدنی از طریق نظارت و کنترل در مراحل اکتشاف و استخراج با توجه به نیازهای فعلی جامعه و نسل‌های آینده توجه شایانی داشت.

۲- معادن در حقوق ایران

۲-۱- جایگاه معادن در قانون اساسی به عنوان میثاق ملی

مطابق اصل ۴۴ قانون اساسی اکتشاف، بهره‌برداری و استخراج معادن بزرگ صرف نظر از مالکیت عمومی آن قابل واگذاری به بخش تعاونی و خصوصی نیست و حتما باید توسط بخش دولتی اداره شود.

این اصل در قانون معادن ۱۳۶۰ و اصلاحیه ۱۳۶۴ آن، به شدت مورد توجه قرار گرفته و بر اساس آن قانون‌گذاری شده است اما در قانون معادن ۱۳۷۷ و به تبع آن اصلاحیه ۱۳۹۰ به نظر می‌رسد قانون‌گذار سعی کرده است موانع و مشکلات حضور بخش خصوصی در امر معدن را برطرف کند و از شدت اقتدار دولت بکاهد و این مساله پی‌آمد نظرات مختلف در جامعه پیرامون خصوصی‌سازی و یا دولتی ساختن اقتصاد کشور است و از آنجا که جامعه ما روز به روز به سمت خصوصی‌سازی متمایل می‌شود به همین دلیل برخلاف قانون معادن ۱۳۶۲، مطابق ماده ۱۲ قانون معادن ۱۳۷۷، هیات دولت با توجه به میزان ذخیره، ارزش ماده معدنی و نظایر آن می‌تواند راجع به معادن بزرگ تصمیم‌گیری کرده و آن راحتی به بخش خصوصی واگذار کند.

ماده ۵ قانون یاد شده با عنایت به اصل ۴۴ قانون اساسی که اقتصاد را بر سه بخش دولتی و تعاونی و خصوصی استوار می‌سازد در مورد اکتشاف معدن مقرر می‌دارد که اکتشاف ذخایر معدنی توسط بخش‌های دولتی، تعاونی و خصوصی اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی انجام می‌شود. وزارت معادن و فلزات نیز مکلف است راسا یا توسط سازمان‌ها، شرکت‌ها و واحدهای تابعه و یا با استفاده از خدمات اشخاص حقیقی و حقوقی ذی‌ربط واجد صلاحیت نسبت به اکتشاف و شناسایی ذخایر معدنی کشور اقدام کند.

البته در قانون اصلاح قانون معادن مصوب ۱۳۹۰ قانون‌گذار ماده ۱۲ آن قانون را که لفظ معادن بزرگ در آن بود را کلا حذف و ماده دیگری در رابطه با تشکیل شورای عالی معادن جایگزین آن کرده است.

همچنین ماده ۵ را نیز چنین اصلاح کرده است که اکتشاف ذخایر معدنی توسط اشخاص حقیقی و حقوقی مجاز انجام می‌شود. وزارت صنعت، معدن و تجارت مکلف است بستر لازم برای اکتشاف ذخایر معدنی در سراسر کشور فراهم کند. بنابراین اکتشاف ذخایر معدنی توسط اشخاص حقیقی و حقوقی انجام می‌شود که اعم از بخش تعاونی، خصوصی و دولتی است.

سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی که توسط مقام معظم رهبری مطابق بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی، در خرداد ماه ۱۳۸۵ ابلاغ شده است نیز به صراحت واگذاری معادن به بخش خصوصی و تعاونی را حتی در معادن بزرگ مجاز شمرده است و به استثنای معادن نفت و گاز در شماره ۲ از قسمت الف سیاست‌های کلی اصل ۴۴ چنین آمده است: سرمایه‌گذاری، مالکیت و مدیریت در زمینه‌های مذکور در صدر اصل ۴۴ قانون اساسی به شرح ذیل توسط بنگاه‌ها و نهادهای عمومی غیردولتی و بخش‌های تعاونی و خصوصی مجاز است: ۱- صنایع بزرگ، صنایع مادر (از جمله صنایع بزرگ پایین‌دستی نفت و گاز) و معادن بزرگ (به استثنای نفت و گاز) ۲- بنابراین به استثنای معادن نفت و گاز، کلیه معادن کشور هر چقدر هم بزرگ باشد، قابل واگذاری به بخش تعاونی و خصوصی است اما ایجاد حق واگذاری معادن به بخش خصوصی نافی نظارت‌های پیش‌بینی شده در قانون معادن سال ۱۳۷۷ و اصلاحیه سال ۱۳۹۰ آن نیست، به طوری که ماده ۲ قانون اصلاح قانون معادن مصوب سال ۱۳۹۰ اعمال حاکمیت بر معادن کشور به غیر از نفت و گاز را بر عهده وزارت صنعت، معدن و تجارت قرار می‌دهد اما در اصل ۴۵ آمده است: انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات یا رها شده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نیزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث، اموال مجهول‌المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شود در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آن‌ها عمل نماید. تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می‌کند.

عباراتی که در این اصل آمده است کلی و نامشخص است و معلوم نشده که معادن از انفال یا از ثروت‌های عمومی دیگر است. به طور کلی اصل مزبور در مقام بیان این حکم نبوده یا این حکم را به صراحت بیان نکرده است اما عده‌ای از فقهای بزرگ، معادن را به طور مطلق از انفال می‌دانند، یعنی فرقی میان معدنی که در اراضی انفال و معدنی که در غیر از این اراضی (مانند معدن موجود در ملک شخصی) یافت می‌شود، نمی‌گذارند، همان گونه که میان معادن ظاهری و معادن باطنی فرقی نمی‌گذارند. برای معادن ظاهری، دو تعریف ارائه شده است. تعریف اول اینکه معادن ظاهری، معدنی است که روی زمین قرار دارد و یا تا سطح زمین چندان فاصله‌ای ندارد به طوری که اگر مقداری خاک را کنار بزنند معدن آشکار شود. محقق کرکی می‌گوید: مراد از معادن ظاهری، معدنی است که روی زمین قرار دارد و وصول به آن‌ها نیاز به کار چندانی ندارد [۳].

است تا با تفصیل و ترتیبی که قانون معین کند آن‌ها را اداره کند و بر طبق مصالح عامه نسبت به آن‌ها عمل کند. به هر حال قانون اساسی، معادن را در اختیار حکومت اسلامی قرار داده است. همچنین از یک نظر می‌توان قایل بر این امر شد که منظور از حکومت اسلامی، دولت است. بنابراین ماده ۲ قانون اصلاح قانون معادن مصوب ۱۳۹۰ مسوولیت اعمال حاکمیت دولت را به عهده وزارت صنعت، معدن و تجارت گذاشته است.

۲-۲- معادن و تبعیت آن از مالک زمین در قانون مدنی

در قانون مدنی به طور آشکار پیروی از نظریه تبعیت معادن از مالک زمین دیده می‌شود. در ماده ۳۸ قانون مدنی آمده است: مالکیت زمین مستلزم مالکیت فضای محاذی آن است تا هر کجا بالا برود و همچنین است نسبت به زیر زمین بالجمله مالک حق همه‌گونه تصرف در هوا و فراز گرفتن دارد مگر آنچه را که قانون استثنا کرده باشد. بنابراین کلیه معادن که در زیر زمین قرار دارد، ملک کسی خواهد بود که مالک سطح زمین باشد. ماده ۱۶۱ قانون مدنی نیز بیان می‌کند که معدنی که در زمین کسی واقع شده باشد ملک صاحب زمین است و استخراج آن تابع قوانین مخصوصه خواهد بود. از مفاد این ماده به خوبی استنباط می‌شود که از نظر قانون مدنی، معادن ملک صاحب آن است و حکم معادن، از حکم مندرج در صدر ماده ۳۸ قانون مدنی خارج نیست و قانون مدنی استثنایی در خصوص معادن قایل نشده است.

در ماده ۱۶۱ قانون مدنی، قانون‌گذار معادن را در بخش مربوط به مباحات آورده است که شاید در واقع معادن را از مباحات می‌داند ولی در خود ماده، هیچ حکمی را بیان نکرده است که استنباط شود معادن از مباحات است و اگر مر قانون در نظر گرفته شود، حکم مذکور در ماده ۱۶۱ قانون مدنی شامل دولت نمی‌شود چون قانون‌گذار از عبارت «کسی» استفاده کرده و چنانچه منظور قانون‌گذار این بود که حکم شامل دولت و اشخاص دیگر نیز بشود باید از عبارت «شخصی که» استفاده می‌کرد تا حکم هم شامل اشخاص حقیقی و هم اشخاص حقوقی شود.

۲-۳- معادن و جایگاه دولت از منظر قوانین معدنی

قانونی که در حال حاضر معتبر است و همه قوانین ما قبل خود را نسخ کرده، قانون معادن مصوب سال ۱۳۷۷ به همراه اصلاحیه مصوب سال ۱۳۹۰ است.

۲-۳-۱- قانون معادن مصوب ۱۳۷۷

با تصویب قانون معادن در سال ۱۳۷۷ بعد از یک دوره

تعریف دوم برای معادن ظاهری این است که معادن ظاهری معدنی است که مواد آن (جوهر معدنی) به صورت طبیعی آشکار باشد و پس از استخراج، احتیاج به کار جدیدی مانند پالایش و زدودن ناخالصی‌ها نداشته باشد، مانند نفت که پس از استخراج قابل اشتعال است و یا زغال‌سنگ که مستقیماً قابل مصرف است. صاحب جوهر می‌گوید: منظور از معادن ظاهری، ماده‌ای است که جوهر آن بدون انجام کاری ظاهر است و تلاش فقط برای به دست آوردن آن است و نیازی به ظاهر کردن جوهرش نیست، مانند نمک، نفت، قیر و مانند آن [۴].

برای معادن باطنی نیز دو تعریف ارائه شده یکی آن که معادن باطنی معدنی است که در عمق زمین قرار دارد و برای به دست آوردن آن‌ها باید زحمت حفاری کشید. شیخ طوسی نیز در بیان تعریف معادن باطنی می‌گوید: معادن باطنی آن‌هایی است که در دل زمین و کوه‌ها قرار دارند [۵].

مطابق تعریف دوم، معادن باطنی معدنی است که جوهر معدنی آن‌ها پس از استخراج، آشکار نیست و نیاز به کار جدیدی دارد تا قابل استفاده شود. بنابراین معادن باطنی معدنی‌اند که ظاهر نمی‌شوند، مگر با عمل [۶]. محقق حلی در شرایع می‌نویسد: انفال عبارت است از اموالی که امام بر وجه خاصی مستحق است، همان‌گونه که برای رسول خدا (ص) نیز این استحقاق بوده است [۷].

حضرت امام خمینی (ره) در توصیف انفال، منصب امامت را نیز افزوده و فرموده است: انفال عبارت است از اموالی که امام از جهت خاص یعنی جهت منصب امامت مالک است، همان‌گونه که ملک پیامبر به جهت منصب نبوت بوده است [۸].

نظریه دیگر در مورد معادن این است که معدن از مباحات و مشترکات است و تحت عنوان حیزات مباحات هر کس می‌تواند در این اموال تصرف کند اما از آنجا که بسیاری از فقها معادن را جزو مباحات می‌دانند که از ثروت‌های عمومی است و عده‌ای نیز آن‌ها را جزو انفال می‌دانند، در مقام تشریح این اصل از یک طرف می‌توان گفت که قانون اساسی معادن را از انفال می‌داند و چون مالکیت امام و جانشین وی بر انفال به اعتبار منصب ایشان است بنابراین معادن در اختیار حکومت اسلامی قرار می‌گیرد. از طرف دیگر می‌توان گفت که از نظر قانون اساسی، معادن جزو انفال نیست بلکه جزو ثروت‌های عمومی و مباحات عامه است اما همچنان که برخی از فقها اعتقاد دارند این امر مانع از این نیست که حکومت اسلامی، برای استفاده از آن‌ها مقررات خاصی را وضع کند و قانون اساسی هم با توجه به این نکته، مباحات عمومی را در اختیار حکومت اسلامی قرار داده

این دو خلط شده است. حاکمیت عبارت است از قدرت عالی و صلاحیت انحصاری برای اداره امور کشور و اینکه دولت در تشکیل حکومت و تاسیس سازمان‌های اداری و موسسات عمومی، اختیار و صلاحیت کامل دارد. دولت در اجرای این صلاحیت، طبق مقتضیات مملکت و با توجه به منافع ملت بدون اینکه تحت نفوذ و تاثیر قدرت خارجی باشد، هر اقدامی را که مصلحت بداند انجام می‌دهد [۹] ولی مالکیت عبارت از حق استعمال، بهره‌برداری و انتقال یک چیز به صورت کامل است مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد [۱۰].

بنابراین دولت در مقام اعمال حاکمیت ممکن است مالک چیزی نباشد اما با توجه به مقتضیات جامعه، قواعدی را در مورد آن چیز که ممکن است در مالکیت فرد خاصی باشد یا مالکیت خاصی نداشته باشد اعمال کند. بدین جهت است که قانون اساسی و قوانین موضوعه دیگر، از حاکمیت دولت بر معادن سخن گفته است و سخنی از مالکیت دولت بر معادن به میان نیامده است، بنابراین می‌توان گفت حاکمیت و مالکیت ملازمه‌ای با هم ندارند و همچنین معادن از انفال نیست زیرا اگر از انفال بود، باید سخن از مالکیت دولت و نه حاکمیت دولت بود.

۲-۳-۲- قانون اصلاح قانون معادن مصوب ۱۳۹۰

با توجه به سیاست‌های جدید کشور و ابلاغیه مقام معظم رهبری در ارتباط با اصل ۴۴ قانون اساسی و اصالت بخشیدن به بخش خصوصی در فعالیت‌های معدنی و کاهش نقش دولت در بخش‌های اجرایی و عملیاتی و برای هدایت دولت به سمت حاکمیت و نظارت، در مورخ ۱۳۸۹/۳/۲۵ لایحه اصلاح قانون معادن مصوب ۱۳۷۷ تقدیم مجلس شد.

۳- شاخه‌های علم حقوق

توجه به این نکته که معادن در زیر شاخه کدامیک از تقسیم‌بندی‌های اصلی علم حقوق قرار می‌گیرد کمک زیادی به حوزه اجرا می‌کند، قبل از ورود به نحوه اعمال مدیریت و نظارت دولت بر معادن لازم است برخی مفاهیم مورد بررسی قرار گیرند. در اینجا به دو شاخه اصلی علم حقوق که عبارتند از حقوق عمومی و حقوق خصوصی است پرداخته می‌شود.

۳-۱- حقوق عمومی

حقوق عمومی، شامل حق و حقوقی است که بین ادارات و نهادهای دولتی یا موسسات عمومی در انجام وظیفه و خدمت متقابل به مردم وجود دارد و باید اجرا شود. به عبارت بهتر حقوق عمومی قواعدی است که در روابط حکومت و مأموران آن با مردم اعمال می‌شود و همچنین قواعد مربوط به روابط

اقتدار شدید دولت بر معدن به نظر می‌رسد که قانون‌گذار سعی کرده است که موانع و مشکلات حضور بخش خصوصی در امر معدن را برطرف کند و از شدت اقتدار دولت بکاهد، همچنین در این قانون از شدت توجه قانون‌گذار به موضوع مالکیت معدن به تبعیت از مالکیت زمین به طور محسوسی کاسته شده است و تنها در تبصره ۲ ماده ۲۲ هنگامی که در مورد معادن موجود در محدوده املاک دایر یا مسبوق به احیا اشخاص سخن می‌گوید اشاره‌ای به قاعده تبعیت کرده است.

دو نکته قابل توجه در این تبصره:

- مواد معدنی که با استفاده از قاعده تبعیت متعلق به مالک زمین می‌شود، محدود به سنگ لاشه ساختمانی و سنگ‌های تزئینی و نما است.
- مالکیت مالک زمین نسبت به مواد معدنی یاد شده، مشروط به تسلیم درخواست به وزارت صنعت، معدن و تجارت برای اخذ پروانه اکتشاف قبل از صدور پروانه اکتشاف برای سایرین است و در صورت رعایت نکردن دستورالعمل این ماده، حق تقدم آن‌ها برای دریافت پروانه اکتشاف از بین می‌رود.

علاوه بر تبصره ۲ ماده ۲۲، همچنین ماده ۲ این قانون هم به بحث مالکیت پرداخته است. این ماده جنجالی‌ترین ماده این قانون است که چندین بار بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان رد و بدل شد و در نهایت با ارجاع موضوع به مجمع تشخیص مصلحت نظام، موضوع در این مجمع به تصویب رسید. به هر حال مجمع تشخیص مصلحت نظام، در مورخ ۱۳۷۷/۳/۲۳ ماده ۲ این قانون را بدین شکل تصویب کرد. در اجرای اصول چهل و چهارم و چهل و پنجم قانون اساسی مسوولیت اعمال حاکمیت دولت بر معادن کشور و حفظ ذخایر معدنی و نیز صدور اجازه انجام فعالیت‌های معدنی مقرر در این قانون و نظارت بر امور مزبور و فراهم آوردن موجبات توسعه فعالیت‌های معدنی، دست‌یابی به ارزش افزوده مواد خام معدنی، توسعه صادرات مواد معدنی با ارزش افزوده، ایجاد اشتغال در این بخش و نیز افزایش سهم بخش معدن در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور به عهده وزارت صنعت، معدن و تجارت است.

اعمال حاکمیت مذکور در این ماده نمی‌تواند مانع اعمال مالکیت اشخاص حقیقی و حقوقی در محدوده مقررات باشد. با توجه به قسمت اخیر ماده ۲ این قانون که حاکمیت توسط دولت را مانع اعمال مالکیت اشخاص حقیقی و حقوقی نمی‌داند، به نظر می‌رسد بین حاکمیت و مالکیت فرق وجود دارد که در صحن مجلس در استدلال‌های شورای نگهبان بین

مستقیم و با تصویب و صلاح دید ناظر انجام می‌شود. با این تعریف باید بیان داشت که در نظارت استصوابی کلیه اقدام‌های مجری باید با تصویب ناظر انجام شود [۱۱].

۴-۲- نظارت استطلاعی

در این نوع نظارت، مجری به طور مستقل حق تصمیم‌گیری و اجرا دارد و ناظر به امر نظارت بر حسن اجرای وظایف محوله توسط مجری و عدم تخطی او از قوانین و مقررات مربوط و یا عرف شایع و جاری می‌پردازد و در صورت برخورد با تعدی یا تفریط مجری، مراتب را حسب مورد به مراجع ذیصلاح گزارش می‌کند تا تصمیم مقتضی توسط مرجع ذیربط اتخاذ شود [۱۲].

۵- نظارت‌گری دولت بر معادن در قوانین معدنی

نظر به اینکه در حال حاضر قانون معادن مصوب سال ۱۳۷۷ و اصلاحیه آن در سال ۱۳۹۰، قوانین در حال اجرای حوزه معادن است در زیر به ابزارها و نحوه اعمال مدیریت و نظارت‌های دولت در این دو قانون پرداخته می‌شود.

قانون معادن مصوب ۱۳۷۷، اصلاحیه ۱۳۹۰ این قانون، آیین‌نامه اجرایی و دستورالعمل‌های ناشی از قوانین مختص معدن صلاحیت‌هایی را برای اعمال نظارت برای دولت احصا کرده است که به آن‌ها پرداخته می‌شود. بیان این ابزارها در نهایت سبب اثبات نظارت استصوابی دولت بر معادن شده و کمک شایان توجهی برای اشخاص متقاضی فعالیت در این حوزه است.

۵-۱- اکتشاف معادن

بسیاری از کانسارهای موجود که در پوسته زمین تشکیل شده‌اند به طور مستقیم قابل مشاهده نیستند و یا اینکه در محل‌های دور از چشم زمین‌شناسان واقع شده‌اند. از این جهت برای پیدا کردن ماده معدنی و اثبات وجود آن و ارزیابی اقتصادی بودن استخراج کانسارها فعالیت‌هایی باید انجام گیرد که به آن عملیات پی‌جویی و اکتشاف می‌گویند [۱۳]. اولین مرحله معدنکاری مرحله اکتشاف است و در آن نواحی کانی‌سازی شده پوسته زمین که در آن تمرکز طبیعی انجام گرفته است، کاوش می‌شود [۱۴]. در صورتی که این مرحله ابتدایی به صورت اصولی و نظام‌مند انجام نگیرد، ضررهای غیرقابل جبرانی را در مراحل استخراج به بهره‌بردار تحمیل و به تبع آن لطمات جبران‌ناپذیری به این گنجینه‌های خدادادی وارد می‌کند. از این رو قانون معادن تکالیفی را برای دولت و اشخاص در این مرحله تعیین کرده است که بدون جری این موارد اقدام به اکتشاف در معادن مجاز نیستند. برای اکتشاف

نهادهای مختلف حکومت با هم است. هدف حقوق عمومی تامین مصالح عموم جامعه است. حقوق عمومی به جهت گره خوردن با مصالح جامعه و نظم عمومی، ماهیتی آمره دارد. بدین معنا که حتی با توافق و اراده اشخاص نیز نمی‌توان عملی را برخلاف آن‌ها انجام داد و از آن‌ها تخطی کرد و همچنین تغییر آن‌ها امکان‌ناپذیر است.

۳-۲- حقوق خصوصی

حقوق خصوصی مجموعه قواعد حاکم بر روابط افراد با یکدیگر است؛ قواعدی که در روابط تجاری، خانوادگی و تعهدات اشخاص در قبال یکدیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد، در این مجموعه قرار دارند. هدف از وضع قواعد و قوانین حقوق خصوصی حمایت و تامین منافع اشخاص است و با توجه به اینکه افراد بهتر از دیگران عالم به مصلحت خویش‌اند، می‌توانند با توافق طرفینی آن قواعد را بر روابطشان برقرار یا برکنار سازند. درحالی که هدف از وضع قواعد و قوانین حقوق عمومی، تضمین نفع جامعه است.

۴- نظارت‌های قانونی

پیش از بررسی و احصای مصادیق و ابزارهای نظارتی دولت بر معادن لازم است به مذاقه در انواع نظارت‌ها پرداخته شود تا متعاقب آن و پس از واکاوی ابزارهای نظارتی دولت در گستره معادن بتوان به نوع مدیریت و نظارت‌های دولت پی برد.

نظارت را می‌توان به انواع مختلفی تقسیم‌بندی کرد. یکی از این انواع، دسته‌بندی تقسیم نظارت بر دو نوع کلی نظارت حکومتی و نظارت مردمی است. نظارت حکومتی به انواع مختلفی همچون نظارت سازمانی سلسله‌مراتبی و نظارت قیمومتی، نظارت کیفی (قضایی، اداری، مالی، سیاسی و پارلمانی)، نظارت درونی و بیرونی، نظارت شکلی (مستمر و موردی)، نظارت پسینی، پیشینی و روندگرا، نظارت ماهوی (استصوابی و استطلاعی) و نظایر آن تقسیم کرده‌اند. بنابر تعاریف فوق ذیل نظارت‌های ماهیتی حکومت نظارت‌های استصوابی و استطلاعی که کاربرد آن در مرحله اجرا است و مد نظر این مقاله است مورد مذاقه قرار می‌گیرد.

۴-۱- نظارت استصوابی

استصواب در لغت به معنای صواب دید است و مقصود از نظارت استصوابی، این است که ناظر علاوه بر کسب اطلاع، صواب دید هم انجام می‌دهد. یعنی می‌تواند حکم و دستور هم صادر کند و حکم او نیز مطاع و نافذ است به عبارتی، منظور از نظارت استصوابی این است که اعمال حقوقی، تحت نظر

معادن دریافت پروانه اکتشاف و گواهی کشف از وزارت صنعت، معدن و تجارت از جمله ضروریات قانونی است.

۵-۱-۱- پروانه اکتشاف

بر اساس ماده ۵ قانون اصلاح قانون معدن انجام اکتشاف ذخایر معدنی توسط بخش تعاونی و خصوصی اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی مجاز شمرده شده است. اکتشاف ذخایر معدنی، صرفاً پس از صدور پروانه اکتشاف توسط وزارت صنعت، معدن و تجارت امکان پذیر است. بنابراین اشخاص تا قبل از اخذ پروانه مزبور حق انجام فعالیت‌های اکتشافی در محدوده معدنی را ندارند. مطابق ماده ۱۶ قانون اصلاح قانون معدن وزارت صنعت، معدن و تجارت باید فقط یک بار برای صدور پروانه اکتشاف به اخذ استعلام از دستگاه‌های اجرایی و متولیان قانونی در مواردی از جمله حریم قانونی راه‌ها و راه آهن، داخل شهرها و نظایر آن مبادرت کند. عدم اعلام نظر در مهلت مقرر به منزله موافقت دستگاه‌های مرتبط تلقی می‌شود. در ادامه و با موافقت دستگاه‌های اجرایی مزبور از متقاضی درخواست می‌شود که ظرف یک ماه از تاریخ اعلام محدوده اکتشافی بلامعارض، نسبت به ارائه طرح اکتشاف مربوط و پرداخت مبلغی بر اساس تعرفه‌ای که سالانه از طرف وزارت صنعت، معدن و تجارت پیشنهاد می‌شود، اقدام کند.

سازمان صنعت، معدن و تجارت، طرح اکتشافی را مطالعه و پس از رفع نواقص احتمالی و در نهایت تایید این طرح پروانه اکتشاف را صادر می‌کند. گواهی کشف باید حاوی نوع یا انواع ماده معدنی کشف شده، کمیت و کیفیت آن، حدود و مساحت زمین مورد اکتشاف و هزینه عملیات اکتشافی باشد.

دارنده پروانه اکتشاف باید در طی مدت اعتبار پروانه نسبت به انجام عملیات فنی اکتشاف، مطابق با طرح اکتشاف تصویب شده اقدام و موظف است پس از خاتمه عملیات اکتشافی، در مدت اعتبار پروانه و طبق طرح اکتشافی مصوب، گزارش جامع پایان عملیات اکتشاف و درخواست صدور گواهی کشف را به سازمان استان تسلیم و رسید دریافت دارد.

۵-۱-۲- گواهی کشف

پس از اتمام مراحل اکتشاف و در صورت مثبت بودن نتیجه عملیات اکتشاف و کشف ماده معدنی و داشتن توجیه فنی و اقتصادی، گواهی کشف توسط سازمان صنعت، معدن و تجارت استان مربوط صادر می‌شود. گواهی کشف تاییدیه‌ای است که پس از اتمام عملیات اکتشافی و کشف کانه به نام دارنده پروانه اکتشاف صادر می‌شود.

دارنده گواهی اکتشاف حداکثر ظرف مدت یک سال از تاریخ گواهی‌نامه اکتشاف باید درخواست بهره‌برداری از معدن مکشوفه را به همراه طرح بهره‌برداری و مدارک مورد نیاز طبق دستورالعمل صدور پروانه بهره‌برداری برای صدور پروانه بهره‌برداری معدن کشف شده تسلیم سازمان استان مربوط کند. در غیر این صورت حق وی برای بهره‌برداری سلب می‌شود. دولت بر مراحل اکتشاف تا صدور گواهی کشف نظارتی استصوابی دارد و اشخاص بدون تصویب و اذن مراجع ذیصلاح قانونی، حق کشف معدن را ندارند.

۵-۱-۳- ماهیت حقوقی پروانه اکتشاف

در صورتی که در صدور پروانه اکتشاف و گواهی کشف شروط مندرج در مفاد ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی و ماده ۷۰ قانون ثبت رعایت شود، پروانه اکتشاف و گواهی کشف سند رسمی تلقی می‌شود. زیرا اسنادی که نزد مأموران رسمی در حدود صلاحیت آن‌ها و بر اساس مقررات قانونی تنظیم شده باشد، رسمی است و از امتیازات سند رسمی برخوردار است. بنابراین تمام محتوا و امضاهای مندرج در پروانه اکتشاف و گواهی کشف نیز همچون پروانه بهره‌برداری معتبرند مگر اینکه مجعولیت آن ثابت شود. حق حاصل از پروانه اکتشاف و گواهی کشف حقی است عینی و حق تقدمی که سایر متقاضیان محدوده معدنی را از رقابت با دارنده حق اکتشاف باز داشته و پس از انجام عملیات اکتشاف و کشف ماده معدنی نسبت به دیگران در اولویت دریافت پروانه بهره‌برداری و انتفاع از ماده معدنی قرار می‌گیرد. بنابراین از این جهت حق حاصل از پروانه اکتشاف بی‌شبهت به حق تحجیر نیست. ضمن آن که حق حاصل از پروانه اکتشاف نسبت به همه اشخاص قابل استناد است و به طور کلی حقی است که نسبت به عین مال (محدوده اکتشاف) ایجاد شده و به موجب آن شخص می‌تواند از مالی که عین آن ملک دیگری است یا مالک خاصی ندارد استفاده کند و عملیات اکتشاف انجام دهد. حال اگر پس از کشف ماده معدنی به بهره‌برداری و انتفاع از آن پرداخته و از آنجا که هر حق عینی که موضوع آن مال غیرمنقول باشد، غیرمنقول تبعی است، حق حاصل از پروانه اکتشاف نیز به تبع معدن جزو اموال غیرمنقول است. حق حاصل از پروانه اکتشاف در مدت اعتبار آن با رعایت مفاد آیین‌نامه اجرایی قانون معدن و با موافقت وزارت صنعت، معدن و تجارت قابل نقل و انتقال است و همچون سایر حقوق عینی معامله می‌شود. نظر به نبودن هر گونه حکمی در قانون معدن مبنی بر قابل توثیق بودن پروانه اکتشاف، به نظر می‌رسد که پروانه اکتشاف فاقد چنین امتیازی باشد. بنابراین موسسات مالی مانند بانک‌ها در اصل هیچ‌گونه الزامی بر پذیرش پروانه

استخراج و استحصال درج شود. تامین مواد اولیه کارخانه‌های صنعتی مصرف‌کننده ماده معدنی واقع در منطقه وقوع معدن که فعالیت آن‌ها منطبق بر ضوابط، معیارها و استانداردهای موجود است با ایجاد ارزش افزوده در اولویت قرار دارد و طرح بهره‌برداری حاوی اطلاعات و ارقام مربوط به کارخانه‌های مصرف‌کننده مواد معدنی است.

۵-۲-۲- پروانه بهره‌برداری

برای بهره‌برداری از ذخایر معدنی، اخذ پروانه بهره‌برداری از سازمان صنعت، معدن و تجارت استان مربوطه لازم و ضروری است، بنابراین در این بخش نیز دولت نقش پررنگی ایفا می‌کند به گونه‌ای که اشخاص حقیقی و حتی دولتی بدون اخذ پروانه بهره‌برداری از مقام صلاحیت‌دار دولتی حق استخراج از معادن را ندارند. پروانه بهره‌برداری سندی رسمی و لازم الاجرا است و مطابق ماده ۸ قانون اصلاح قانون معادن مصوب ۱۳۹۰، این سند قابل معامله، تمدید و توثیق است که بیانگر حق انتفاع دارنده پروانه از ذخیره معدنی مندرج در پروانه و نیز دربردارنده تعهدات وی در اجرای مفاد آن است اما این پروانه با رعایت شرایطی از جمله اینکه بهره‌بردار، هجده ماه قبل از انقضای اعتبار پروانه بهره‌برداری درخواست تمدید خود را ارائه و با تسلیم مستندات در مورد ذخایر باقی مانده در پایان دوره بهره‌برداری، شامل ذخایر باقیمانده مندرج در پروانه بهره‌برداری و ذخایر معدنی حاصل از اکتشاف حین بهره‌برداری، طرح بهره‌برداری مربوط به دوره جدید بهره‌برداری را حداکثر ظرف یکسال مانده به پایان اعتبار پروانه، به سازمان صنعت، معدن و تجارت استان قابل تمدید است.

دارنده پروانه بهره‌برداری و مجوز برداشت صرفاً باید در چارچوب پروانه و ماده معدنی یاد شده در آن، نسبت به استخراج از معدن اقدام کند و در صورتی که حین بهره‌برداری، ماده معدنی دیگری نیز اکتشاف کند تا زمان اخذ مجوز از سازمان صنعت، معدن و تجارت استان و اصلاح پروانه حق بهره‌برداری ماده معدنی جدید را نخواهد داشت. در صورتی که ذخایر معدنی بلامعارضی وجود داشته باشد با برگزاری مزایده از سوی سازمان صنعت، معدن و تجارت استان، محدوده مربوطه در اختیار متقاضیان قرار می‌گیرد و پس از برگزاری تشریفات در صورت نبود متقاضی، وزارت صنعت، معدن و تجارت راساً در مورد بهره‌برداری از این معادن اقدام می‌کند.

۵-۲-۳- ماهیت حقوقی بهره‌برداری از معادن

پروانه بهره‌برداری را می‌توان به قرارداد تنظیمی فیما بین دولت و اشخاص تعبیر کرد. این عملیات مهم با انعقاد قراردادی

اکتشاف به عنوان وثیقه و تضمین اعطا و بازپرداخت تسهیلات مالی ندارند زیرا پروانه اکتشاف به طور مستقیم متضمن انتفاع از معدن نیست و در مواردی ممکن است که منجر به کشف ماده معدنی و بهره‌برداری از معدن نشود اما از این حیث که در زمره حقوق مالی است و به دلیل ایجاد حق اولویت در انتفاع به نظر می‌رسد به عنوان دارایی دارنده پروانه اکتشاف قابل توقیف باشد.

۵-۲- بهره‌برداری از معادن

وجود ذخایر معدنی عظیم و متنوع در کشور و نیاز به بهره‌برداری از معادن برای تامین مواد اولیه صنایع، تولید و درآمدزایی از یک سو و لزوم توجه به ملاحظات زیست‌محیطی، توزیع عادلانه ثروت، رعایت عدالت بین نسلی و مهار بهره‌برداری بی‌رویه معادن از سوی دیگر، ارایه چارچوبی حقوقی را برای بهره‌برداری مطلوب از معادن ضروری می‌سازد. بهره‌برداری از معادن مجموعه عملیاتی است که برای استخراج و کانه‌آرایی و به دست آوردن مواد معدنی قابل فروش انجام می‌گیرد، بنابراین در این راستا قانون معادن ۱۳۷۷ و اصلاحیه سال ۱۳۹۰ آن اخذ پروانه بهره‌برداری را ضروری دانسته است. چارچوب مشخص شده در این قوانین بیانگر نظارت و جایگاه پر رنگ وزارت صنعت، معدن و تجارت از سوی دولت در حوزه معادن و فعالیت‌های این بخش است.

۵-۲-۱- طرح بهره‌برداری

پس از طی مراحل اکتشاف، برای اخذ پروانه بهره‌برداری تهیه طرح بهره‌برداری از معدن و ارایه آن به سازمان صنعت، معدن و تجارت استان مربوطه و تایید و تصویب آن‌ها توسط سازمان یاد شده لازم و ضروری است. طرح بهره‌برداری شامل روش و چگونگی استخراج با توجه به نوع معدن از جمله روباز یا زیرزمینی و نوع ماده معدنی، نیروی انسانی مورد نیاز، چگونگی آتشباری و نظایر آن است. بر اساس مفاد ماده ۵۳ آیین‌نامه اجرایی قانون معادن برای صدور مجوز بهره‌برداری از معادن، ارایه طرح بهره‌برداری الزامی است و باید این طرح بر اساس دستورالعمل وزارت و توسط اشخاص دارنده مجوز صلاحیت نظام مهندسی معدن تهیه شود. با این وجود دستورالعمل تهیه طرح بهره‌برداری معادن در سال ۱۳۹۹ توسط دفتر نظارت امور معدنی وزارت صنعت، معدن و تجارت تدوین شده است که طرح‌ها باید بر اساس مندرجات آن تهیه شوند. متقاضی موظف است در زمان صدور پروانه بهره‌برداری، نحوه بهره‌برداری از مواد معدنی مندرج در گواهی کشف را در طرح بهره‌برداری خود منظور کند تا در پروانه بهره‌برداری به عنوان مواد معدنی قابل

تعهدات، توافقات، واگذاری‌ها، مجوزها و پروانه‌های قانونی صادر شده را لغو کنند یا تغییر دهند. در غیر این صورت اقدامات فوق مستلزم جلب رضایت اشخاص ذینفع است. بنابراین دولت تنها در صورتی می‌تواند قرارداد مورد بحث را فسخ کند که این امر در خود قرارداد پیش‌بینی شود یا این که دولت بر اساس قانون چنین حقی داشته باشد.

۵-۳- حقوق دولتی

از جمله اعمال مدیریت و نظارت‌های دیگر دولت در جهت اجرای قوانین در حوزه معادن، اخذ حقوق دولتی از دارندگان پروانه بهره‌برداری از معادن است.

طبق تعریفی که در فصل نخست قانون معادن مصوب سال ۱۳۷۷ آمده حقوق دولتی، درآمد ناشی از استخراج، بهره‌برداری و برداشت هر واحد معدنی است که باید توسط بهره‌بردار (خصوصی یا دولتی) پرداخت شود اما این تعریف در اصلاحیه قانون معادن در سال ۱۳۹۰ دچار تغییر شد و کلمه درآمد به سهم دولت تغییر یافت. بر اساس ماده ۱۴ قانون معادن مصوب ۱۳۷۷ دارنده پروانه بهره‌برداری سالانه باید با عنوان حقوق دولتی، درصدی از بهای ماده معدنی سرمعدن مندرج در پروانه را به نرخ روز به وزارت صنعت، معدن و تجارت پرداخت کند. البته با تجویز ماده یاد شده وزارت مزبور می‌توانست معادل ارزش حقوق دولتی، ماده معدنی از بهره‌بردار دریافت کند اما ماده ۱۴ قانون معادن ۱۳۷۷ به موجب ماده ۱۲ قانون اصلاح قانون معادن اصلاح و بر همین اساس دارنده پروانه بهره‌برداری برای پرداخت حقوق دولتی باید درصدی از بهای ماده معدنی موضوع پروانه را به نرخ روز در سر معدن به صورت استخراج شده یا کانه‌آرایی یا فرآوری شده در چهارچوب بودجه مصوب به تشخیص وزارت صنعت، معدن و تجارت به وزارت مزبور پرداخت کند و در این اصلاحیه نیز همانند قانون معادن ۱۳۷۷ تصریح شد، ضوابط تعیین زمان و میزان درصد یاد شده با توجه به عوامل موثری همچون محل و موقعیت معدن، شرایط و موقعیت منطقه، میزان و نوع کانه‌آرایی، وضعیت ذخیره معدنی، روش استخراج، تعهدات و سود ترجیحی بهره‌بردار در آیین‌نامه اجرایی این قانون مشخص می‌شود.

در قانون معادن ۱۳۷۷ و اصلاحیه ۱۳۹۰ تعیین درصد حقوق دولتی موکول به آیین‌نامه اجرایی قانون شده است. بنابراین در این راستا ماده ۶۰ آیین‌نامه اجرایی قانون معادن مصوب ۱۳۹۲، میزان حقوق دولتی را بر مبنای ده درصد از بهای هر واحد ماده و یا مواد معدنی استخراج شده به نرخ روز در سر معدن تعیین کرده است.

فیمابین متقاضی بهره‌برداری و دولت (وزارت صنعت، معدن و تجارت) انجام می‌گیرد و به موجب آن بهره‌برداری از معدنی معین و در مدتی مشخص به بهره‌بردار واگذار می‌شود. یکی از ابعاد مهمی که در بررسی این قرارداد وجود دارد، تعیین ماهیت حقوقی آن است زیرا شناخت ماهیت یک نهاد حقوقی، نقش مهمی در تعیین شرایط و آثار آن دارد. از سویی کارآمدی اقتصادی و زیست‌محیطی بهره‌برداری از معادن، بسته به چارچوب حقوقی ترسیم شده برای آن است. قرارداد بهره‌برداری از معدن، قراردادی الحاقی و لازم به شمار می‌رود. قرارداد الحاقی، قرارداد نمونه‌ای است که به وسیله یکی از دو طرف تنظیم شده و طرف دیگر بدان ملحق می‌شود، بدون اینکه امکان تغییر یا گفتگو درباره شرایط قرارداد را داشته باشد. قراردادهای الحاقی ویژگی‌هایی دارند که به واسطه آن‌ها از سایر قراردادها تمییز داده می‌شوند. از جمله این ویژگی‌ها داشتن قدرت برتر اقتصادی و انحصاری، ضروری بودن متعلق قرارداد و کتبی بودن است [۱۵]. قرارداد بهره‌برداری از معدن نیز نمونه‌ای از یک قرارداد الحاقی است و با تعریف و ویژگی‌های این قراردادها مطابقت می‌کند زیرا شرایط و احکام این قرارداد توسط یک طرف "دولت" مقرر می‌شود و بهره‌بردار، بدون اینکه امکان مناقشه داشته باشد بدان ملحق می‌شود.

نقش دولت در اعطای پروانه بهره‌برداری، وصف قراردادی آن را زایل نمی‌سازد زیرا به اعتقاد اکثر حقوقدانان، قرارداد الحاقی مانند سایر قراردادهای از عقود محسوب می‌شود و امکان مناقشه و آزادی کامل طرفین و همچنین توازن و تساوی آن‌ها از لحاظ اقتصادی، از شرایط تحقق عقود نیست؛ بلکه صرف توافق دو انشا که در آن رضایت معاملی وجود داشته باشد، کافی است و منبع الزام‌کننده و مبنای حقوقی این قراردادها نیز همین توافق و رضایت طرفین است [۱۶].

از دیگر ویژگی‌های قرارداد بهره‌برداری از معدن لازم بودن آن است. در قرارداد بهره‌برداری از معدن یکی از مواردی که در پروانه درج می‌شود مدت بهره‌برداری از معدن است.

بنا به دلایل زیر قرارداد بهره‌برداری از معدن لازم است:

- قانونگذار در هیچ از مواد قانون معادن، از جواز قرارداد سخن نگفته است. در این صورت اصل لزوم حاکم است.
- از ماده ۱۰ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور مصوب ۱۳۹۴/۲/۲۰ لازم بودن قرارداد از طرف وزارت صنعت، معدن و تجارت قابل استنباط است. به موجب این ماده، دستگاه‌های دولتی تنها در صورت وجود مجوز قانونی یا تصریح در قرارداد می‌توانند قراردادها،

۵-۴- سلب صلاحیت

اگر کسی به احیا و بهره‌برداری مناسب از معادن قادر نباشد نمی‌تواند آن را تصاحب کند و باعث تضییع حقوق دیگران شود. این ضابطه هم حدوثی و هم ملاک استدامه‌ای است. به این معنا که اگر کسی موقع تحویل معدن واجد شرایط بود و توان بهره‌برداری داشت ولی به هر دلیلی در آینده با مشکل مواجه شد و توان بهره‌برداری و عمران را از دست داد باید آن معدن را به حوزه اموال عمومی برگرداند [۱۷]. در این راستا از جمله مواردی که دولت از طریق وزارت صنعت، معدن و تجارت به اعمال قوانین و نظارت در معادن می‌پردازد، سلب صلاحیت دارندگان پروانه‌های اکتشاف و بهره‌برداری متخلف از تعهد است.

مکتشفان و بهره‌برداران تعهداتی را در اکتشاف و استخراج از معادن مطابق قوانین، آیین‌نامه اجرایی قانون معدن، دستور العمل‌های وزارت صنعت، معدن و تجارت، مفاد پروانه و طرح بهره‌برداری بر عهده دارند که تخطی از آن پس از اخطار مرجع قانونی ذیربط و عدم اصلاح از موجبات پرداخت خسارت و سلب صلاحیت و در نتیجه خلع ید وی از معدن خواهد بود. ماده ۱۴ قانون اصلاح قانون معدن با اصلاح ماده ۲۰ قانون معدن مصوب ۱۳۷۷، تصریح می‌دارد که وزارت صنعت، معدن و تجارت باید به دارندگانی که به تعهدات خود عمل نمی‌کنند با تعیین مهلتی اخطار دهد و در صورتی که اقدامی ننمایند با تایید شورای عالی معدن ملزم به اخذ خسارت و یا سلب صلاحیت آن‌ها خواهد بود. با نگاهی به مصادیق سلب صلاحیت مصرحه در قانون معدن، آیین‌نامه اجرایی و دستورالعمل‌های مربوطه مشخص می‌شود که حکومت و دولت بر معادن کاملاً احاطه دارد و باید در جهت نظارت اهتمام کامل خود را به کار بندند. در زمانی که سلب صلاحیت انجام می‌گیرد، شخص مکتشف و بهره‌بردار دیگر حق فعالیت معدن مربوط را ندارد و باید از محدوده مربوطه خارج و معدن با رعایت قانون به اشخاص دیگر واگذار شود حال آن که اگر معدن در ملکیت اشخاص قرار داشته باشد نحوه نظارت بدین شکل امکان‌پذیر نیست و باید طبق حقوق مدنی و مبحث مالکیت با ایشان رفتار شود.

۵-۵- ضمانت اجرای اکتشاف و بهره‌برداری بدون مجوز

بازداشتن و جلوگیری از وقوع جرم مهم‌ترین هدفی است که برای اعمال مجازات پیمان شده است و این پیشگیری و بازدارندگی می‌تواند هم بر مجرمین بالقوه‌ای باشد که با ترس از مجازات، از ارتکاب جرم منصرف شوند و هم می‌تواند مجرمین بالفعل باشد که مرتکب جرم شده‌اند بنابراین در صورتی که منافع حاصل از جرم بر شدت و رنج مجازات برتری داشته باشد ممکن

است مجازات کارایی لازم برای پیشگیری نداشته باشد و بنابراین قانونگذار باید همواره مجازات را به گونه‌ای تعیین کند که مجرم خودداری از ارتکاب را ترجیح دهد [۱۸]. بنابراین در صورتی که مقررات و نظارت‌های پیش‌بینی شده در معادن فاقد ضمانت اجرای موثر باشد، هدف اصلی قانونگذار که همان حفظ این گنجینه‌های ارزشمند است به هیچ عنوان قابلیت اجرا نخواهد داشت. بدین منظور قانون معدن در خصوص اکتشاف و بهره‌برداری بدون اخذ پروانه مبادرت وضع ضمانت اجرا کرده است.

مطابق ماده ۱۹ قانون معدن هرکس بدون اخذ پروانه اکتشاف یا بهره‌برداری و یا بدون اجازه برداشت اقدام به حفاری‌های اکتشافی، استخراج، برداشت و بهره‌برداری مواد معدنی کند بهره‌برداری غیرقانونی و متصرف در اموال دولتی محسوب شده و با او برابر قوانین و مقررات مربوطه رفتار خواهد شد. با تصویب اصلاحیه قانون معدن در سال ۱۳۹۰، به موجب ماده ۱۳ آن، سه تبصره به ماده ۱۹ اضافه شد و اکتشاف، بهره‌برداری و برداشت غیرقانونی را جرم مشهود تلقی کرد و در صورتی که اشخاص بدون حکم قضایی در محدوده‌ای که دیگری نسبت بدان مجوز عملیات معدنی دارد تصرفی انجام دهند، موضوع تصرف عدوانی شناخته شده است. تصرف عدوانی خارج ساختن مال از ید متصرف آن، اعم از اینکه خارج‌کننده مال را به تصرف خود در آورد، یا صرفاً به سلب تصرف از متصرف اکتفا کند و خود نیز مال را متصرف نگردد به عبارت دیگر مال بدون متصرف رها شود و در نتیجه شخص ثالثی راساً به دستور متجاوز بر آن متولی شود، به هر حال شرط اصلی این اخلال، سلب تصرف کامل از متصرف سابق است [۱۹].

مزاحمت اشخاص حقیقی یا حقوقی به نحوی که مانع عملیات معدنی شود، جرم تلقی و مجرم ضمن جبران خسارت، به حبس از یک تا شش ماه و یا پرداخت جریمه نقدی معادل دو برابر خسارت وارده محکوم می‌شود.

۶- وضعیت حقوقی معادن خارج از شمول قانون معدن

به طور کلی مواد معدنی یاد شده در طبقه اول و دوم تحت شمول قانون معدن است و تحت نظر وزارت صنعت، معدن و تجارت قرار دارد و هر گونه اکتشاف یا بهره‌برداری از آن‌ها باید تحت نظارت و با اجازه وزارت مزبور انجام شود اما مواد معدنی دیگری نیز وجود دارند که قانون معدن بر آن‌ها حاکم نیست و تابع قوانین مخصوص مربوط به خودند و دولت از طریق قوانین دیگر بر آن اعمال حاکمیت می‌کند.

۶-۱- مواد معدنی پرتوزا

از مواد معدنی که از شمول مقررات قانون معدن خارج است، کلیه مواد پرتوزا اعم از اولیه و ثانویه‌اند که به موجب بند ۳ ماده ۳ قانون اصلاح قانون معدن مصوب ۱۳۹۰، در طبقه چهارم مواد معدنی قرار گرفته‌اند. به موجب بند "د" ماده ۲ قانون سازمان انرژی اتمی ایران مصوب ۱۳۶۳ «انجام بررسی‌ها و عملیات اکتشافی برای تعیین مواد اولیه صنایع اتمی از قبیل سوخت اتمی و مواد رادیو اکتیو و بهره‌برداری از این منابع از طریق استخراج و تخلیص، استفاده از مواد مزبور در صنایع، نیروگاه‌ها، کارخانه‌ها و تاسیسات مختلف اتمی کشور از مجموعه وظایف و اختیارات سازمان انرژی اتمی ایران است.

۶-۲- آب‌های معدنی

بند ۶ قسمت ب ماده ۴ قانون معدن سال ۱۳۶۲، آب‌های معدنی که می‌توان از آن‌ها مواد معدنی استحصال کرد را در طبقه دوم از طبقه‌بندی مواد معدنی قرار داده بود. بند ۷ قسمت ب ماده ۳ قانون اصلاح قانون معدن سال ۱۳۹۰ مواد معدنی قابل استحصال از آب‌ها را در طبقه دوم مواد معدنی آورده است. تفاوتی که قانون اخیر با قانون معادل سال ۱۳۶۲ دارد این است که قانون اخیر مواد معدنی را در طبقه دوم قرار داده است ولی قانون معدن سال ۱۳۶۲ آب‌های معدنی که مواد معدنی از آن قابل استحصال بود را در طبقه دوم قرار داده بود.

در اینجا نوعی تداخل در وظایف به وجود می‌آید زیرا به موجب ماده ۲ قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱ اختیار آب‌های معدنی در اختیار وزارت نیرو است ولی چنین تداخلی در قانون معدن ۱۳۹۰ مشاهده نمی‌شود زیرا اختیار آب‌های معدنی در اختیار وزارت نیرو است ولی مواد معدنی آن آب‌ها در اختیار وزارت صنعت، معدن و تجارت است. در نتیجه تداخلی در قانون معدن ۱۳۹۰ مشاهده نمی‌شود و از طریق قوانین توزیع عادلانه آب و قانون معدن اعمال حاکمیت انجام می‌گیرد.

۶-۳- معدن بزرگ

از جمله معدنی که قواعد و مقررات ناظر به اکتشاف و بهره‌برداری از آن‌ها از شمول قانون معدن خارج شده است، معدن بزرگ است. معدن بزرگ مطابق اصل ۴۴ قانون اساسی و قانون معدن ۱۳۶۲، در اختیار دولت و غیرقابل واگذاری به بخش خصوصی و تعاونی بود ولی در قانون معدن ۱۳۷۷ و به تبع آن اصلاحیه ۱۳۹۰، به نظر می‌رسد قانون‌گذار سعی کرده است موانع و مشکلات حضور بخش خصوصی در امر معدن را برطرف کند و از شدت اقتدار دولت بکاهد.

به همین دلیل بر خلاف قانون معدن ۱۳۶۲، بر اساس قانون ۱۳۷۷ هیات دولت می‌تواند راجع به معدن بزرگ تصمیم‌گیری کرده و بهره‌برداری آن را حتی به بخش خصوصی واگذار کند.

قانون‌گذار تشخیص معدن بزرگ را بر عهده هیات وزیران نهاده است و خود تعریف دقیق و جامعی از معدن بزرگ ارائه نکرده است. خود این مساله همیشه موجب مشکلاتی بوده است زیرا در هر زمانی با توجه به پیشرفت تکنولوژی و صنعت، معانی معدن بزرگ ممکن است فرق کند. معدنی که چند دهه پیش معدن بزرگ محسوب می‌شدند، امروزه با پیشرفت تکنولوژی و تسلط بشر بر اعماق زمین شاید نتوانند جزو معدن بزرگ به شمار آیند. پس اگر قانون‌گذار تعریف قاطع از معدن بزرگ ارائه می‌کرد بهتر و مطلوب‌تر بود تا اختلاف نظرها در این مورد از بین می‌رفت. ماده ۵ قانون ۱۳۹۰ با عنایت به اصل ۴۴ قانون اساسی که اقتصاد را بر سه بخش دولتی و تعاونی و خصوصی استوار می‌سازد. در مورد اکتشاف معدن می‌گوید: اکتشاف ذخایر معدنی توسط اشخاص حقیقی و حقوقی مجاز انجام می‌شود. وزارت صنعت، معدن و تجارت مکلف است بستر لازم را برای اکتشاف ذخایر معدنی در سراسر کشور برای اشخاص حقیقی و حقوقی فراهم کند.

در قانون اصلاح قانون معدن ۱۳۹۰ قانون‌گذار ماده ۱۲ را که لفظ معدن بزرگ در آن بود، کلا حذف و ماده دیگری در رابطه با تشکیل شورای عالی معدن جایگزین آن کرده است. همچنین سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی که توسط مقام معظم رهبری ابلاغ شده است نیز به صراحت واگذاری معدن به بخش خصوصی و تعاونی را حتی در معدن بزرگ به استثنای معدن نفت و گاز مجاز شمرده است. بنابراین در حال حاضر کلیه معدن بزرگ به استثنای معدن نفت و گاز قابل واگذاری به بخش خصوصی‌اند، با وجود اینکه مشکل واگذاری معدن بزرگ رفع شده است اما صدور مجوزها و نظارت‌ها از طریق وزارت صنعت معدن و تجارت کاملاً برقرار است.

۶-۴- نفت و مشتقات نفتی

با ملی شدن صنعت نفت ایران در سال ۱۳۲۹، مالکیت معدن به وضوح مد نظر قرار گرفت. به موجب آن صنعت نفت ایران ملی اعلام شد و تمام عملیات در دست دولت قرار گرفت. در طرح قانونی دایر بر طرز اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور در سال مصوب سال ۱۳۳۰ کلیه درآمدهای نفتی حق مسلم ملت ایران تلقی شده است. در واقع بعد از حضور سالیان متوالی کمپانی‌های خارجی در ایران و تسلط

آن‌ها بر معادن نفتی به جهت حساسیت و اهمیت این معادن، کشور به دنبال تسلط و اداره انحصاری بر منابع خود بود. وقتی بیان می‌شود که منابع نفت ملی است یعنی این معادن را باید در زمره اموال عمومی دانست که مالکیت آن‌ها به مقام حکومت و ولایت تعلق دارد [۲۰]. ماده ۲ قانون نفت مصوب ۱۳۶۶، به موجب ماده ۲ قانون اصلاح قانون نفت مصوب ۱۳۹۰ اصلاح که مقرر می‌دارد "منابع نفت کشور جزو انفال و ثروت‌های عمومی است و طبق اصل ۴۵ قانون اساسی در اختیار حکومت اسلامی است و اعمال حق حاکمیت و مالکیت نسبت به منابع و تاسیسات نفتی، به نمایندگی از طرف حکومت اسلامی به عهده وزارت نفت است." در اینجا به روشنی قانونگذار در خصوص نفت اظهار نظر کرده و آن را انفال دانسته و مالکیت و حاکمیت بر آن را متعلق به حکومت اسلامی بیان کرده است، بنابراین در این بخش نظارت‌گری تام برای دولت وجود دارد.

۷- نتیجه گیری

با وجود اینکه قانون اساسی در اصل ۴۵، معادن را به طور ابهام‌آمیزی در زمره انفال و ثروت‌های عمومی قرار داده است و مشخص نشده جزو کدامیک است و یا در اصل ۴۴ قانون اساسی نیز صحبت از معادن بزرگ شده است و مالکیت آن را عمومی و در اختیار دولت قرار داده است و واگذار کردن آن‌ها به بخش خصوصی و تعاونی را مجاز نمی‌شمارد اما به نظر می‌رسد این اصل در قوانین بعد کم اثر می‌شود تا جایی که ماده ۱۲ قانون معادن مصوب ۱۳۷۷ بیان می‌دارد، واگذاری معادن بزرگ با توجه به میزان ذخیره، عیار، میزان استخراج، ارزش ماده معدنی، میزان سرمایه‌گذاری، موقعیت جغرافیایی و ملاحظات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به پیشنهاد وزارت صنعت، معدن و تجارت و تصویب هیات وزیران تشخیص داده می‌شود و نحوه بهره‌برداری آن توسط هیات دولت تعیین می‌شود که بعد در قانون اصلاح قانون معادن مصوب سال ۱۳۹۰ شورای عالی معادن تشکیل و این مهم بر عهده آن نهاد شد، بنابراین امروزه با توجه به قانون اصلاح قانون معادن مصوب ۱۳۹۰ و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ که از سوی مقام معظم رهبری ابلاغ شده است، واگذاری تمامی معادن بزرگ به استثنای معادن نفت و گاز به بخش خصوصی و تعاونی مجاز است ولی ماده ۲ قانون معادن مصوب ۱۳۷۷ و اصلاحیه آن در سال ۱۳۹۰ که آخرین قانون مصوب در خصوص معادن است، اعمال حاکمیت بر معادن کشور به غیر از نفت و گاز را بر عهده وزارت صنعت، معدن و تجارت قرار می‌دهد و همچنین ماده ۶ قانون معادن مصوب ۱۳۷۷ اکتشاف ذخایر معدنی را منوط به

صدور پروانه اکتشاف توسط وزارت صنعت، معدن و تجارت می‌داند و یا ماده ۹ قانون بهره‌برداری از ذخایر معدنی را مستلزم اخذ پروانه بهره‌برداری از وزارت صنعت، معدن و تجارت دانسته است و طبق ماده ۱۹ همین قانون هرکس بدون اخذ پروانه اکتشاف یا بهره‌برداری و یا اجازه برداشت اقدام به حفاری‌های اکتشافی، استخراج، برداشت و بهره‌برداری مواد معدنی کند، متصرف در اموال عمومی و دولتی محسوب می‌شود و از طرفی پیش‌بینی پرداخت حقوق دولتی در ماده ۱۲ قانون اصلاح قانون معادن مصوب ۱۳۹۰ و در نظر گرفتن ماده ۲۲ قانون معادن که بیان داشته است، چنانچه اجرای عملیات معدنی در محدوده املاک دایر یا مسبوق به احیا اشخاص واقع و نیاز به تصرف این املاک باشد، مجری عملیات پس از تایید وزیر صنعت، معدن و تجارت مکلف است اجازه یا بها آن را بدون محاسبه ذخایر معدنی واقع در آن، برابر نظر کارشناس رسمی دادگستری به قیمت روز به صاحب ملک بپردازد و در صورت امتناع وی از دریافت آن، در صندوق سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تودیع کند، مبین این است که حتی اگر فردی زودتر از مالک زمین اقدام به ثبت و اخذ پروانه بهره‌برداری کند، دیگر حقی برای مالک نسبت به ذخیره مواد معدنی وجود ندارد و تنها محق به دریافت اجازه یا قیمت زمین بدون در نظر گرفتن ارزش ماده معدنی است. بنابراین با نگاهی به این موارد نتیجه گرفته می‌شود که دولت نظارت کامل بر اکتشاف و بهره‌برداری از معادن دارد و اشخاص صرفاً با رعایت قوانین منجمله تقاضای ثبت محدوده‌های معدنی و دریافت پروانه‌های اکتشاف و بهره‌برداری از وزارت صنعت، معدن و تجارت می‌توانند در این حوزه فعالیت کنند زیرا ماده ۱۹ قانون معادن مصوب سال ۱۳۷۷ اکتشاف و بهره‌برداری از معادن را بدون اخذ مجوز در حکم تصرف اموال عمومی و دولتی می‌داند و حتی پس از دریافت مجوزها دولت با دریافت حقوق دولتی و نظارت بر نحوه برداشت از ذخیره‌های معدنی به مدیریت و نظارت می‌پردازد. بنابراین به استناد قوانین موضوعه که در این مقاله مورد توجه قرار گرفت در بادی امر با توجه به قواعد آمره موجود و اینکه وزارت صنعت، معدن و تجارت وظیفه اعمال حاکمیت بر معادن را بر عهده دارد نتیجه‌گیری می‌شود که معادن تحت احاطه کامل حقوق عمومی قرار دارد و با توجه به هدف حقوق عمومی که تامین مصالح عموم جامعه است تخطی از قواعد محاط بر معادن امکان‌پذیر نیست و دولت از بدو درخواست ثبت محدوده تا اخذ پروانه بهره‌برداری و حتی در مرحله اجرا تا پایان عمر معدن با نظارت استصوابی کامل که منظور جلوگیری از تضییع این مواهب الهی اعمال می‌شود به

- حاکمیت و نظارت می‌پردازد.
- منابع
۱. توکلی راد، اکبر و سعید سعادت، (۱۳۹۵)، «حفاظت از محیط زیست در فعالیت‌های معدنی»، چاپ اول، خراسان رضوی، انتشارات آرسس، ص ۳۵.
 ۲. ایلخانی، الیاس و عطایی، محمد و خالو کاکایی، رضا، «ارزیابی توسعه پایدار در معدنکاری روباز»، (۱۳۹۴) پایان‌نامه، دانشکده معدن، نفت و ژئوفیزیک، دانشگاه صنعتی شاهرود.
 ۳. محقق کرکی، علی بن حسین بن عبدالعالی کرکی جبل عاملی، (۱۴۱۴ ه.ق)، «جامع المقاصد»، جلد هفتم، چاپ دوم، قم، نشر موسسه آل البيت، ص ۳۲.
 ۴. نجفی، محمد حسن، (۱۳۶۲)، «جواهر الکلام»، جلد سی و هشتم، چاپ هفتم، بیروت، نشر داراحیاء التراث العربی، بیروت، ص ۱۰۱.
 ۵. شیخ طوسی، محمد بن حسن بن علی بن حسن، (۱۳۸۷ ه.ق)، «المبسوط»، جلد سوم، چاپ سوم، تهران، المکتبه المرتضویه لاحیاء الاثار الجعفریه، تهران، ص ۲۷۷.
 ۶. حلی، محقق، (۱۴۰۸ ه. ق) «شرایع الاسلام»، جلد اول، چاپ دوم، قم، نشر موسسه اسماعیلیان. ص ۱۶۷.
 ۷. حلی، محقق، (۱۴۰۸ ه. ق) «شرایع الاسلام»، جلد اول، چاپ دوم، قم، نشر موسسه اسماعیلیان. ص ۱۶۷.
 ۸. خمینی، روح الله، (۱۳۹۲)، «ترجمه تحریرالوسیله امام خمینی(س)»، جلد دوم، چاپ اول، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ص ۴۱۶.
 ۹. مدنی، سید جلال، (۱۳۶۸)، «حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران»، تهران، انتشارات سروش، ص ۱۳۷.
 ۱۰. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۷۲)، «ترمینولوژی حقوقی»، چاپ ششم، تهران، نشر کتابخانه گنج دانش، ص ۵۹۹.
 ۱۱. یار ارشدی، علی، «نظارت شورای نگهبان بر انتخابات، استصوابی یا استطلاعی»، نشریه حقوق اساسی، سال چهارم، شماره ۶۷، صفحات ۴۳-۲۷، ص ۲۸.
 ۱۲. عمید زنجانی، عباسعلی و موسی زاده، ابراهیم، «نظارت بر اعمال حکومت و عدالت اداری»، (۱۳۹۶)، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران ص ۶۱.
 ۱۳. ثابت، امیررضا و عزیزان حقیقی، افشین، (۱۳۹۳)، «گنجینه معادن ایران»، چاپ اول، تهران، انتشارات عصر گفتگو، ص ۲۱.
 ۱۴. لین، کنت اف، (۱۳۷۱)، «بررسی‌های اقتصادی معدن»، ترجمه حسن مدنی، چاپ اول، تهران، مرکز انتشارات صنعت فولاد، ص ۳.
 ۱۵. شیروی، عبدالحسین، (۱۳۷۸)، «نقش قراردادهای استاندارد در حقوق تجارت بین الملل و مقایسه آن با قراردادهای الحاقی در حقوق داخلی»، مجله مجتمع آموزش عالی قم. شماره دوم، ص ۷۰.
 ۱۶. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۷)، «طبیعت قراردادهای الحاقی»، مجله مجتمع آموزش عالی قم. شماره اول، ص ۲۲.
 ۱۷. آقا نظری، حسن، (۱۳۷۳)، «تخصیص و بهره‌برداری از انفال در ایران»، فصلنامه مجلس و راهبرد، شماره ۷۳، ص ۴۹.
 ۱۸. اسدی، بهنام، (۱۳۹۷)، «ضمانت اجرایی قوانین و مقررات در نظام جزایی و کیفری ایران»، دو فصلنامه تحقیقات حقوقی قانون یار، دوره اول، شماره اول، ص ۱۵۶.
 ۱۹. محمدی، توحید، (۱۳۹۲)، «تصرف عدوانی و مقایسه آن با خلع ید در نظام حقوقی ایران»، پایان‌نامه، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمی، ص ۲۵.
 ۲۰. محمد یثربی، سیدعلی و سبزواری، حبیب، (۱۳۹۶)، «مالکیت و مدیریت معادن نفت و گاز در فقه امامیه و قوانین ایران»، فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال پنجاهم، شماره دوم، صفحات ۵۱۷-۴۹۵، ص ۵۱۳.